
تأملاتی پیرامون
تطابق دین با علم و عقل

بسم الله الرحمن الرحیم

تأملاتی پیرامون تطابق دین با علم و عقل

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تأملاتی پیرامون تطابق دین با علم و عقل

مشخصات کتاب

برگرفته از: سایت بهائی پژوهی

تأملاتی پیرامون تطابق دین با علم و عقل

یکی از تعالیم دوازده گانه که بهائیان پیرامون آن تبلیغات وسیعی می کنند و از شاهکارهای فکری این آیین می دانند تطابق دین با علم و عقل است بهاییان این تعلیم را نیز همچون دیگر تعالیمشان به بهاءالله نسبت می دهند در حالی که به حقیقت این عبدالبهاء است که با بهره جویی از شنیده هایش از اروپاییان قرن نوزده که در دوران شکوفایی دانش و پیشرفت علوم تجربی می زیسته اند در خور ذوق و پسند این و آن تعالیمی را عنوان نموده در هر حال ضمن بیان نقطه نظرات رهبران بهایی در باب این تعلیم به نقد آن می پردازیم. عبدالبهاء در صفحه ۲۱۹ خطابات جلد ۲ می گوید «دیگر آنکه دین باید مطابق با عقل باشد، مطابق با علم باشد زیرا اگر مطابق با عقل و علم نباشد اوهام است خدا قوه عاقله داده تا به حقیقت اشیاء پی ببریم و حقیقت هر شیء را ادراک کنیم اگر مخالف علم و عقل باشد شبهه ای نیست که اوهام است» در سخنی دیگر از او، به نقل صفحه ۱۴۷ و ۱۴۸ کتاب آرامش برای جهان پر آشوب: «بین اهل علم و دین پیوسته جنگ و اختلاف بوده است ...حضرت بهاءالله اعلان نمود که باید دین مطابق علم باشد... عقل نخستین استعداد انسان است و دین الهی نیز با آن مطابق است حضرت بهاءالله این نوع جدال و اختلاف را از میان برداشتند و علم و دین را مطابق دانستند» ...و در صفحه ۱۵ خطابات جلد ۲: «ما اعلان نمودیم که دین مطابق علم است و یکی است و هر مسئله ای از مسائل دینیه که مطابق علم نباشد وهم است.» منازعه بین علم و دین منازعه ای جدید است و عمری به تاریخ علم جدید دارد. شاید نمونه نمادین این برخورد و اولین این نمونه ها دادگاهی بود که در نهایتش گالیله به نفع کلیسا توبه کرد. اوج این درگیری و منازعه زمانی بود که علم جدید، خود را یکه تاز عرصه معرفت می دانست و نه تنها عرصه معرفت که علم جدید سودای تغییر کل عالم داشت. اگر چه علم جدید آن چنان که فرانسیس بیکن می خواست عالم را تغییر داد، اما با پیشرفت علوم و کشیده شدن پای علم در زندگی روزمره به برکت تکنولوژی و نقض و ابطال پی در پی تئوری های علمی که زمانی خود را تنها حکم ساری و جاری در کل عالم می دانستند، رفته رفته علم جدید نیز فضیلت تواضع را تجربه کرد تا باد تبختری که داشت، فروکش کند. دوران علم زدگی پایان یافته بود و همه چیز در معبد علم پرستش نمی شد. آیین بهایی، دقیقا در اوج منازعه علم و دین پا به میدان نهاد. آن هم در جغرافیا و تاریخی که علم جدید، به مثابه کالایی وارداتی است. روشن فکر های علم زده نیز علم جدید و پیشرفت های علمی و تکنولوژیک را چون سلاحی کارا در خدمت خویش گرفته اند و تمام سنت های دینی و قومی قوم خویش را به مسلخ می کشند. در چنین فضایی آیین بهایی که دعوی نو بودن و جدید بودن دارد، حکم به «تطابق علم و دین» می دهد و «تطابق علم و دین» را به مثابه آموزه ای دینی و تعلیمی مذهبی مطرح می کند. آیین بهایی با این آموزه جدید، سعی در باز کردن گره از کار فروبسته نزاع علم و دین دارد. نزاعی که در آن روزگار تنها با حکم برتری یکی از طرفین دعوا (علم و یا دین) خاتمه می یافت. اما پیشرفت هایی که در فلسفه علم و فلسفه دین روی داد، دعوای علم و دین را از آن بحث های کلی دور کرد و این مبحث در فضاهایی جدید تر دنبال شد. آن چه خواهد آمد ملاحظاتی در باب «تطابق علم و دین» به عنوان آموزه آیین بهایی است. یکم: هم علم و هم دین مفاهیمی کلی هستند. مفاهیم کلی همان قدر که باهم جنگ دارند، با هم هماهنگ هم هستند. برای بررسی موضوعی چون علم و دین باید دقیق دانست که مقصود از علم چیست و مقصود از دین کدام است و این هماهنگی که به صورتی کلی مطرح می شود ناظر به چیست؟ آیا مقصود از علم، علم تجربی است؟ یا علم در این عنوان، شاخه های علوم انسانی، چون روان

شناسی و جامعه شناسی و... را نیز در بر میگیرد؟ هماهنگی علم و دین در چه سطحی است؟ آیا هماهنگی علم و دین یعنی هماهنگی و سازگاری تمام گزاره های علمی با تمام گزاره های دینی؟ وقتی اندکی از کلی اندیشی و کلی گویی فاصله می گیریم و بحث را از حالت انتزاعی خود خارج می کنیم سوالات دقیق پی در پی می آینـد. سوالاتی که احکام کلی را برنمی تابند و احکام کلی را به چالش می کشند. پس قبل از هر چیز درباره آموزه «تطابق علم و دین» که عنوانی کلی و انتزاعی است، بایـد دقیق شـد و مقصود دقیق این عبارت از کلمات «علم»، «دین» و «تطابق» را جویا شد. دوم: بحث «علم و دین» اگرچه هم به علم مربوط است و هم به دین، اما نه بحثی علمی است و نه دینی. بحث علم و دین در حوزه «فلسفه علم» و «فلسفه دین» و یا «کلام دینی» می گنجد. یعنی هر موضعی که درباره علم و دین گرفته شود، چه ناظر به هماهنگی این دو باشد و چه ناظر به ناسازگاری و تخاصم، خارج از حوزه علم و دین است. درباره رابطه علم و دین، متفکرانی پژوهش کرده اند که خارج از حوزه علم و دین ایستاده اند و درباره رابطه این دو حوزه داوری کرده انـد. بنابراین «تطابق علم و دین» نمی تواند آموزه ای دینی باشد. چون باید بیرون از دایره دین و همچنین علم ایستاد و درباره رابطه آن ها با هم داوری کرد. مقصود از این عبارت به عنوان آموزه دینی برای من مفهوم نیست. سوم: از نظر آیین بهایی علم است که بایـد بـا دین هماهنـگ باشـد یـا دین با علم؟ چرا که احکام علمی دائم در تغییرنـد. جهان علم جهان تغییرات و نقض هـا و ابطال های پی در پی است. آیا آیین بهایی برای تطابق با علم، دائما احکام خود را متحول می کنـد؟ اگر مقصود از علم، علوم تجربی است که تئوری های علوم تجربی در تغییرند. این نقل قول از انیشتین معروف است که ما در علم با هر ابطالی جشنی به پـا می کنیم. پویایی علم در گرو همین تغییرات دائم و پی در پی است. آن چه را که زمانی دانشـمندان درست می دانستد و علمی، چند سال بعد ابطالش کردند و تئوری جدیدی به جایش نشاندند. حال آیین بهایی با کدام یک از این تئوری ها و گزاره های ابطال شده و دگرگون شده هماهنگ است؟ نمی شود که هم با تئوری بطلمیوسی هماهنگ بود هم با تئوری کپرنیکی. و این مباحث همه در علم تجربی است که محکی به عنوان تجربه راه گشاست. امـا در بـاب علوم غیر تجربی آیین بهایی چه نظری دارد؟ در علوم غیر تجربی یـا به اصـطلاح علوم تـاریخی و یا به عبارتی دیگر علوم انسانی، آیین بهایی چگونه هماهنگی علم و دین را توجیه می کنـد؟ چرا که در علوم انسانی، هیچ گاه دانشـمندان به نظری واحد نرسیده اند. دانشـمندان علوم تجربی در نهایت تمام دعواهای خود را با حکم نافـذ «تجربه» حل می کننـد. اما در علوم غیر تجربی هیـچ حرف آخر و حکم آخری وجود ندارد. بر همین اساس است که می بینیم نحله های مختلف جامعه شناسی و روان شناسی و... در محیط های دانشگاهی حضور دارند و دعوا و نزاع علمیشان هم به نتیجه و آشتی نمی رسـد. در علوم تجربی متـد واحـد وجود دارد. روش عالمـان علوم تجربی به دلیـل این که مبتنی بر تجربه است یکسـان است. امـا در علوم انسـانی چنین نیست و حتی روش و متـد واحـدی هم در تحقیقات علوم انسانی وجود نـدارد. و چنین است که در علوم انسانی با نحله ها و مکتب های مختلف مواجهیم که اساسا با هم ناسازگارنـد. حال سوال این است که آیین بهایی با کدام یک از این نحله هـا هماهنـگ است؟ نمی شود که هم بـا ساختارگرایـان هماهنـگ بود هم با پسا ساختارگرایان و هم با مارکسـیست ها. نمی شـود که هم بـا فرویـد هماهنـگ بود هم بـا یونـگ هم بـا پیـاژه و هم بالکـان. نمی توان در علوم و فلسـفه سیاسـی هم بـا هـابز هماهنـگ بود و هم بـا لاـک و هم بـا تئوری ها و احکام مارکس هماهنگ باشـیم. در اقتصاد نیز چنین است و نحله های مختلف هر یک احکام و متد و تئوری های خود را دارند. به نظر می رسد بیان عبارت کلی «تطابق علم و دین» به عنوان آموزه ای دینی، خبر از بی خبری واضعان چنین آموزه ای از مباحث علم شناسی باشـد. چهارم: بهاییان منظور از علم در عبارت «تطابق علم و دین» را تمام آن چیزی می دانند که از عقل آدمی ناشـی می شود. یعنی علاوه بر علوم تجربی و علوم انسانی و تاریخی، تمام نحله های فلسـفی و عرفـانی و جـادویی و ادبی و.... بـا این توصـیف معنـای عبـارت «تطـابق علم و دین» در این جمله خلاصه می شود که: آیین بهایی با هرچه آدمی فکر می کند و می اندیشد هماهنگ است. هر چه به عقل آدمی بیاید با آیین بهایی هماهنگ است. یعنی هرچه به عقل ارسطو آمـده همان انـدازه با آیین بهایی هماهنگ است که آن چه به عقل کانت آمده. و همچنین است آن چه به عقل کنفسیوس

آمده و آن چه به عقل ساحری در قبیله ای ابتدایی. اگر چنین است چرا بهاییان دین خود را تبلیغ می کنند؟ دین آن ها که با تمام آن چه در جهان هست هماهنگ است، پس چه نیازی به تبلیغ. پنجم: در بحث رابطه علم و دین دو گروه بوده اند که حکم به ناسازگاری علم و دین داده اند. گروه اول مارکسیست هایی بوده اند که احکام مارکسیستی را به غلط احکام علمی می دانسته اند و چون احکام مارکسیستی اساسا مادی و ماتریالیستی است، حکم به ناسازگاری علم و دین می دادند. گروه دوم اتفاقا از راست کیشان حلقه وین بوده اند که غیر از گزاره های علم تجربی، یعنی گزاره هایی که با تجربه می توان به صدق و کذبشان پی برد، باقی گزاره ها از جمله گزاره های دینی را اساسا بی معنی و مهمل می دانستند. اگر چه امروز نه کسی احکام مارکس را علمی می داند و نه از احکام پوزیتیویست های حلقه وین، دفاع می کند، اما با تعریف بهاییان از علم، یعنی آن چه از عقل آدمی ناشی می شود، هم احکام مارکسیست ها و هم احکام پوزیتیویست ها علمی هستند. چرا که از عقل متفکران و اندیشمندانی چون مارکس، انگلس، کارناپ، ویتگنشتاین، راسل و... ناشی شده اند. حال سوال این است که آیین بهایی چه طور با این احکام ضد دینی هماهنگ است. اساسا همین آموزه «تطابق علم و دین» چه طور با افیون توده های مارکس هماهنگ است؟ چه طور با بی معنایی گزاره های دینی که اصحاب حلقه وین می گفتند هماهنگ است؟ و گفته شد جریان های فکری سال هاست که از کلی گویی و انتزاعی اندیشی فاصله گرفته اند و به مطالعات دقیق انضمامی و تاریخی روی کرده اند. کلی گویی اگر چه همیشه با بزرگ گویی همبسته بوده است و موجب توجه مخاطب عام شده است، اما در بازار علم و معرفت عبارات کلی و انتزاعی کمترین خریدار را دارد و افتادن در ورطه آن شیوه عالمانه نیست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹